

## احیای کارخانجات ورشکسته از منظر حقوق عامه در گستره حقوق عمومی

زهرا معظمی\*<sup>۱</sup>، علی کاظم زاده<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دکترای حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب

### چکیده

نظام دادرسی و دادستانی یکی از دستاوردهای ارزشمند نظام قضایی ایران است. با توجه به اینکه یکی از وظایفی که طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، برای قوه قضاییه تعریف شده؛ اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین است، بنابراین ثمره تحقق صحیح اصل فوق، سالم سازی جامعه و تأمین امنیت عمومی و احیای حقوق عامه و گسترش عدل خواهد بود. در این راستا می توان گفت که اعلام ورشکستگی و اجرای عملیات تصفیه منافع تاجر متوقف، بنگاه بحران زده، نظام کل اقتصادی و اجتماعی و حتی بستانکاران را به خطر می اندازد. از این رو بایستی در ابتدا از تصفیه و انحلال کارخانجات ورشکسته و بنگاه اقتصادی و تولیدی با نظارت قوه قضاییه جلوگیری کرد و تمامی تلاشها و حمایتها را صرف حفظ و نگهداری بنگاه و سازماندهی مجدد آن در پرتو احیاء حقوق عامه نمود و در صورت عدم امکان ادامه فعالیت و بازسازی بنگاه به آیین ورشکستگی به عنوان آخرین راه حل متمسک شد. در لایحه قانون تجارت ۱۳۸۴ در راستای حمایت از بنگاه اقتصادی و جلوگیری از انحلال آن به مفهوم بازسازی کارخانجات ورشکسته و بنگاه توجه شده است. آیین بازسازی قبل از اعلام ورشکستگی به اجرا درمی آید و کلیه تجار متوقف که قادر به ادامه فعالیت تجاری هستند را در برمی گیرد. در وهله اول اموال بنگاه اقتصادی مدنظر قرار می گیرد و از طریق وضع حمایت های حقوقی خاص کمک هایی فراوانی به ادامه فعالیت و سازماندهی مجدد آن می شود. علاوه بر این نهادهای اجرایی خاص جهت اتخاذ تصمیم در خصوص بازسازی پیش بینی شده است که دارای تشکیلات مستقلی است. لایحه قانون تجارت توانسته است مجموعه مقرراتی راجع به بازسازی و احیاء فعالیت های واحدهای مشکل دار ارائه دهد که جایگزین نهادهای ناکارآمد موجود گردد. بر این اساس، تحقیق حاضر با هدف بررسی و تحلیل احیاء کارخانجات ورشکسته در پرتو حقوق عامه صورت گرفته است. لذا این تحقیق درصدد آن است تا به شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر در پیشگیری از انحلال و تعطیلی صنایع و کارخانجات تولیدی بر مبنای حقوق عامه بپردازد.

**واژه های کلیدی:** حقوق عامه، احیاء کارخانجات ورشکسته، ورشکستگی، دادستانی، لایحه قانون تجارت ۱۳۸۴

## مقدمه

ورشکستگی و اجرای عملیات تصفیه منافع تاجر متوقف، بنگاه بحران زده، نظام کل اقتصادی و حتی بستانکاران را به خطر می‌اندازد. از این رو ابتدا باید از تصفیه و انحلال بنگاه اقتصادی جلوگیری کرد و تمامی تلاشها و حمایت‌ها را صرف حفظ بنگاه و سازماندهی مجدد آن نمود. در قانون تجارت سال ۱۳۱۱ در خصوص ادامه فعالیت تاجر قبل از صدور حکم ورشکستگی، پیش بینی خاصی صورت نگرفته است لیکن پس از صدور حکم ورشکستگی، مدیر تصفیه با حضور عضو ناظر می‌تواند تجارت فرد ورشکسته را از سر گیرد. علاوه بر این به موجب قانون مذکور امکان انعقاد قرارداد ارفاقی با بستانکاران نیز وجود دارد. از آنجایی که با صدور حکم ورشکستگی به حیثیت و اعتبار تجاری مدیون شدیداً لطمه وارد می‌شود لذا قرارداد ارفاقی بندرت منعقد شده است. قانونگذار جهت پر کردن خلاء موجود هیأت حمایت از صنایع و کمیسیون بحران اصل ۱۳۸ قانون اساسی را به موجب قوانین خاص پیش بینی نمود. تنها صنایع تولیدی و واحدهای کشاورزی که واحد شرایط خاص باشند می‌توانند به کمیسیون بحران مراجعه و از طریق اعطای تسهیلات بانکی و تقسیط بدهی‌ها مورد حمایت قرار گیرند. کارخانجات صنعتی بحران زده نیز می‌توانند به هیأت حمایت از صنایع مراجعه کنند. در لایحه قانون تجارت ۱۳۸۴ در راستای حمایت از بنگاه اقتصادی و جلوگیری از انحلال آن به مفهوم بازسازی بنگاه توجه شده است. آیین بازسازی قبل از اعلام ورشکستگی به اجرا در می‌آید و کلیه تاجر متوقف که قادر به ادامه فعالیت تجاری هستند را در برمی‌گیرد. در این آیین در وهله اول منافع بنگاه اقتصادی مدنظر قرار می‌گیرد و از طریق وضع حمایت‌های حقوق خاص کمک فراوانی به ادامه فعالیت و سازماندهی مجدد آن می‌شود. علاوه بر این نهادهای اجرایی خاص جهت اتخاذ تصمیم خصوص بازسازی پیش بینی شده است که دارای تشکیلات مستقلی است لایحه قانون تجارت توانسته است مجموعه مقرراتی راجع به بازسازی و احیاء فعالیت‌های واحدهای مشکل دار ارائه دهد که جایگزین نهادهای ناکارآمد موجود گردد. این قانون که قبلاً هم اشاره شد عملاً در سالیان اخیر ناکارآمد بوده و مورد استقبال بنگاه ورشکسته قرار گرفته و هدف از این تحقیق ارائه راه حل‌های عملیاتی برای احیاء واحدهای ورشکستگی می‌باشد.

## ۱- بررسی نقش دادستان در حراست از حقوق عمومی در حوزه حقوق اساسی

در اصل ۸۳ متمم قانون اساسی، هم در ماده ۳ قانون اصول محاکمات جزائی و هم ماده ۴۹ و ۵۰ قانون اصول تشکیلات عدلیه و هم در ماده ۱۹ آئین دادرسی کیفری سابق (به عنوان رئیس ضابطین عدلیه و...) و مقرر گردیده بود که اداره مدعیان عمومی در سه سطح محکمه بدایت، محکمه استیناف و دیوان عالی تمیز فعالیت داشته و وظایف آن در ۲ قسم "قضائی" و "اداری" در گستره شهرستان، استان و کشور، تعریف شود. (مهرآرام، ۱۳۹۵: ۳۹).

وظیفه ذاتی مدعی العموم طبق قانون اصول تشکیلات عدلیه (که به عنوان یک قانون مادر تلقی و جز برخی مواد آن نظیر حذف دادرسی استان و... نسخ صریح یا ضمنی نشده و کلیات آن پابرجاست. حفظ حقوق عامه، نظارت بر اجرای قوانین، تفتیش و تعقیب جرایم بوده و می‌بایست با نظارت بر جریان امور در صورت مشاهده تجاوزات و سوء جریانات مراتب را به مقام قانونی گزارش داده و اعلام جرم کند. از عنوان "وکیل جماعت" و "مدعی العموم" بر می‌آید که این مقام مقتدر قضائی، باید تمام قامت در جهت پاسداری از حقوق شهروندان قیام و اقدام کند و این وظیفه بنیادین و ذاتی است (نقره کار، ۱۳۹۱: ۵۶).

## ۱-۱ نقش مدیران تصفیه در احیاء کارخانجات ورشکسته

تصفیه و تقسیم دارایی شرکت، از نتایج انحلال شرکت است. تصفیه به معنی تفریق حساب و تعیین بدهکاری و بستانکاری است، که در نتیجه تصفیه، رقم قطعی مبالغ بده و بستان مشخص و پا به پا می‌شود. شرکت سهامی به محض انحلال، (شرکت در حال تصفیه) محسوب می‌شود؛ و باید به دنبال نام شرکت، همه جا عبارت "در حال تصفیه" ذکر شود. نام مدیر یا مدیران تصفیه در کلیه اوراق و آگهی‌های مربوط به شرکت قید گردد (ماده ۲۰۶ لایحه) و تصفیه امور شرکت سهامی طبق قانون و مقررات لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴، انجام گیرد. مگر در مورد ورشکستگی که امر تصفیه طبق مقررات مربوط به ورشکستگی انجام می‌گیرد.

امر تصفیه با مدیران تصفیه است که در اساسنامه معین شده اند و ممکن است تحت نظارت ناظر عمل کنند، پس در شرکت های سهامی امر تصفیه با مدیران فعلی شرکت است، مگر آن که اساسنامه یا مجمع عمومی فوق العاده که رای به انحلال شرکت می دهند، ترتیب دیگر مقرر کرده باشند. مدیر تصفیه توسط همان مرجعی که نصب شده، قابل عزل است. مدیر یا مدیران تصفیه باطل است و انتقال دارایی شرکت به مدیر تصفیه یا اقارب وی نیز باطل است. مدت مأموریت مدیر یا مدیران تصفیه نباید از ۲ سال تجاوز کند. تمدید مدت تصفیه با دادگاه یا مجمع عمومی عادی یا فوق العاده بر حسب مورد است. مدیران تصفیه باید همه ساله مجمع عمومی عادی را دعوت کنند و گزارش دهند. اگر مدیر تصفیه دعوت نکرد، ناظر باید دعوت کند. اگر مدیر تصفیه بخواهد استعفا کند، باید مجمع را دعوت کند. اگر مجمع تشکیل نشود یا مدیر از طرف دادگاه تعیین شده باشد، مراتب به دادگاه اعلام می شود. در هر حال تا زمان تعیین جانشین، استعفا "کان لم یکن" تلقی می شود. در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی، مراتب پیش گفته شده نیز رعایت خواهد شد.

### ۱-۲ طرح واگذاری کارخانجات و بنگاه های تولیدی های تولیدی ورشکسته

طبق ماده ۸۸۹ لایحه قانون تجارت، اگر تاجر به تعهدات مالی خود ظرف مهلت های مقرر در طرح عمل نکند، یک یا چند طلبکار با مجموع حداقل ۲۰٪ کل مطالبات می توانند، پس از اعلام سازمان بازسازی از هیأت تشخیص اعلام شکست طرح را بخواهند. هیأت تشخیص در صورت پذیرش تقاضای فوق مکلف است حداکثر ظرف سه ماه نسبت به وضعیت تاجر به یکی از طرق زیر اتخاذ تصمیم نماید.

۱- واگذاری کلی و یا جزئی بنگاه های تولیدی

۲- اصلاح طرح بازسازی

۳- تغییر مدیران طرح

۴- صدور سند عدم امکان بازسازی و درخواست حکم ورشکستگی.

همانگونه که ملاحظه می شود در صورتی که در زمان اجرای طرح ادامه فعالیت با حفظ مالکیت، تاجر به تعهدات مالی خود عمل نکند، یک یا چند طلبکار با مجموع حداقل ۲۰٪ کل مطالبات می توانند اعلام شکست طرح را از هیأت تشخیص تقاضا نمایند.

وفق ماده فوق الذکر به منظور تقاضای اعلام شکست طرح، اکثریت مبلغی مورد توجه قرار گرفته است. اکثریت مبلغی مذکور ۲۰٪ از کل مطالبات را دربرمی گیرد و فرقی نمی کند که متعلق به یک یا چند طلبکار باشد. به نحوی که یک طلبکار که دارنده ۲۰٪ از کل مطالبات باشد می تواند اعلام شکست طرح را تقاضا نماید. یکی از راه حل هایی که هیأت تشخیص در صورت پذیرش تقاضای اعلام شکست طرح اتخاذ می نماید واگذاری کلی و یا جزئی بنگاه های تولیدی می باشد.

### ۱-۳ ماهیت حقوقی بازسازی کارخانجات و صنایع ورشکسته

در ادبیات حقوقی کشور ما وقتی از ماهیت حقوقی بحث می شود، تعیین عقد یا ایقاع بودن تاسیس حقوقی مدنظر است. با توجه به نظریه های ارائه شده در مورد نهاد بازسازی، به نظر می رسد بازسازی تصدیق شده، به عنوان قراردادی جدید میان بدهکار و تمام طلبکاران او تلقی می شود. بنابراین، طلبکاری که از مفاد این قرارداد تخطی می کند در واقع این قرارداد جدید را نقض کرده است.<sup>۱</sup>

در طرح بازسازی تصدیق شده، بدهکار و تمامی اشخاص ذینفع در آن، خواه به طرح بازسازی رأی داده باشند و خواه نداده باشند ملزم به اجرای آن هستند. با تصدیق طرح بازسازی، مفاد آن برای تمام طرفین اعم از بدهکار، طلبکاران و دارندگان حق

<sup>۱</sup>. David L. Bookbinder, Basic Bankruptcy Law for Paralegals, 4<sup>th</sup> ed, Aspen Law and Business, 2001.

وثیقه، اعم از این که به طرح بازسازی رأی موافق داده باشند یا نه لازم الاجرا است.<sup>۲</sup> که در موضوع تحقیق ما به صورت اعاده اعتبار ورشکسته مورد بحث قرار گرفته است. (طجرلو، ۱۳۸۹: ۷۳).

«طرح بازسازی، قراردادی است که نسبت به بدهکار، طلبکاران و دارندگان منافع لازم الاجرا است.»<sup>۳</sup> بنابراین با توجه به این که بازسازی، یک رابطه حقوقی دو طرفه میان حداقل میان بدهکار و طلبکاران او است، طبق قواعد حقوقی ایران، ماهیت حقوقی بازسازی رابطه طرفینی و عقد تلقی می شود.

#### ۱-۱-۳ تصدیق طرح بازسازی توسط دادگاه در راستای احیا حقوق عامه

تصدیق طرح بازسازی توسط دادگاه، که در واقع به معنای قطعی و لازم الاجرا شدن طرح بازسازی است، شرایطی خاص دارد. طرح بازسازی اگر تمامی موارد قانونی زیر را داشته باشد توسط دادگاه تصدیق خواهد شد.

الف - طرح بازسازی و متقاضی طرح بازسازی تمامی شرایط مقرر قانونی را دارا باشند.  
ب- طرح بازسازی از روی حسن نیت پیشنهاد شده باشد و فاقد هرگونه قصد هرگونه قصد متقلبانه باشد.  
پ- کلیه هزینه های مصروف در راستای طرح بازسازی معقول و مورد تایید دادگاه باشد.  
ت- اسامی کلیه اشخاصی که بعد از تصدیق طرح بازسازی در آن انجام وظیفه می کنند اعلام و انتخاب این افراد با رعایت منافع طلبکاران و نظم عمومی باشد.

ث- هرگونه تغییر در نرخ یا تعرفه ها با رعایت قوانین و مقررات جاری مربوط باشد.  
ج- طرح بازسازی حاکی از منافع بیش تری برای طلبکاران نسبت به تصفیه اموال باشد.  
چ- در طرح بازسازی بین آن گروه از طلبکاران که طرح بازسازی را قبول نکرده اند با گروهی که طرح را پذیرفته اند رفتار تبعیض آمیز وجود نداشته باشد.

به نظر می رسد زمانی امکان تصدیق طرح بازسازی، توسط دادگاه وجود دارد که کلیه قوانین و مقررات، اعم از مقررات ورشکستگی یا سایر قوانین جاری رعایت شده و منافع طلبکاران نیز مدنظر قرار گرفته باشد.

#### ۱-۴ صلاحیت دادگاه در امر بازسازی

به نظر می رسد صلاحیت دادگاه در امر بازسازی را بتوان به سه مرحله قبل از تقدیم طرح بازسازی، از زمان تقدیم طرح بازسازی تا تصدیق آن در دادگاه و پس از تصدیق دادگاه تقسیم کرد.

#### ۱-۱-۴ قبل از تقدیم طرح بازسازی

در فرض عدم پرداخت مطالبات، بدهکار باید شمول مقررات ورشکستگی نسبت به خود را از دادگاه درخواست کند. با تقدیم تقاضای شمول مقررات ورشکستگی نسبت به خود را از دادگاه خواست کند. با تقدیم تقاضای شمول مقررات ورشکستگی، صلاحیت دادگاه در این خصوص آغاز می شود. به صرف تقدیم تقاضای ورشکستگی به دادگاه، وضعیت حقوقی خاصی تحت عنوان «توقف یا تعلیق غیر ارادی و اقدامات اجرایی»<sup>۴</sup> نسبت به بدهکار اعمال می شود. بدین لحاظ به نظر می رسد بدهکار در یک نوع مصونیت اجرایی یا منع تعقیبات شخصی نسبت به خود قرار می گیرد. (اخلاقی، ۱۳۸۶: ۷۹).

<sup>۲</sup>. Pamela K. Webster, Richard E. Boyer, David Lauren, Practical Bankruptcy law for Paralegals, 3<sup>rd</sup> ed., ۲۰۰۴.

<sup>۳</sup>. Martin A. Frey, Warren Mc Connico, Phyllis Hurley Frey, An Introduction to Bankruptcy Law, West Publishing Co., 1990

<sup>۴</sup>. Martin A. Frey, Warren Mc Connico, Phyllis Hurley Frey, An Introduction to Bankruptcy Law, West Publishing Co., 1990.

توقف تاجر از پرداخت دیون یکی از دو شرط لازم و اساسی برای اعلان ورشکستگی است. ماده ی ۴۱۲ ق.ت مقرر کرده است «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه ی توقف از تادیه و جوهی که بر عهده ی اوست حاصل می شود» در مورد مراد قانون گذار از واژه ی «توقف» در این ماده و مواد دیگر باب ورشکستگی قانون تجارت، بین حقوق دانان ما اختلاف نظر وجود دارد. عده ای از آن ها صرف عدم پرداخت یک یا چند دین را کافی برای ورشکستگی می دانند. برای مثال دکتر سوده ی تهرانی معتقد است: تاجری که دین خود را نمی پردازد گرچه دارایی او کفاف پرداخت دیونش را هم بدهد مشمول مقررات ورشکستگی می گردد. دسته ی دیگر توقف واقعی و به تعبیری عجز از پرداخت را دلیل ورشکستگی و منظور قانون گذار می دانند. یعنی عجز از پرداختی که ناشی از مثلاً عدم دسترسی به دارایی و مانند این نباشد. همچنین در رویه دادگاه ها نیز، چنین اختلافاتی دیده می شود و دیوان عالی کشور هم، آرای اصراری متفاوتی در این زمینه صادر کرده است. طبعاً در بروز این اختلاف نظرات علاوه بر جنبه های لفظی، اهدافی که حقوقدانان از مقررات نظام ورشکستگی انتظار دارند، موثر است، چنانکه برخی از آن ها در تفسیر خود بر چنین اهدافی تصریح کرده اند.

اهدافی که بعضاً در قالب قانون تجارت برآورده نمی شود مگر اینکه با تفاسیر نادرست از قانون برای رسیدن به آن ها تلاش کرد. در چنین وضعی، پرداختن به درست یا غلط بودن هر یک از برداشت های ارائه شده از مفهوم توقف می تواند مفید باشد تا از این طریق در لایحه ی تجارت، اعمال این نظرات را سراغ بگیریم یا به این نتیجه برسیم که در این لایحه نظام خاصی پیاده شده است که با آنچه در نظر حقوقدانان می گذرد، تفاوت دارد. با این توضیح، ابتدا معنای لغوی «توقف» و سپس، مفهوم حقوقی آن را در پرتو برداشت های مختلف علمای حقوق بررسی می کنیم. به جایگاه توقف در نظام ورشکستگی کنونی و در نهایت، نوآوری های لایحه ی تجارت ۱۳۹۱ را در مورد توقف و جایگاه آن در صدور حکم ورشکستگی تاجر، بررسی می کنیم. توقف از پرداخت دیون یکی از شروط اساسی ورشکستگی است و می توان گفت مهم ترین شرطی که در ارتباط با عملیات تاجر و حساب های اوست، همین شرط توقف است. گویی در مورد شخصی که دیگر شرایط را دارد، مثلاً تاجر است و دینش حال و مسلم است، توقف همان ورشکستگی است. از آنجایی که منظور قانون گذار از توقف، عدم پرداخت دیون است، با پرداخت نشدن دیون تاجر، حکم ورشکستگی او صادر می شود. دکتر اسکینی با وجود اینکه احراز توقف تاجر را طبق ماده ی ۴۱۲ ق.ت به معنای رسیدگی به وضعیت مالی تاجر نمی داند اما با افزودن قید (ممکن نبودن پرداخت دیون از دارایی سهل الوصول) صدور حکم ورشکستگی به مجرد وصل نشدن یک یا چند بدهی را رد می نماید و این حق را برای محکمه قائل است که با در نظر گرفتن اوضاع و احوال کلی قضیه، ببیند که آیا دین تاجر از نقدینگی او یا اعتبار قابل استفاده ی او نزد بانک ها یا موسسات اعتباری قابل پرداخت هست یا خیر. (عرفانی، ۱۳۸۶، ۲۳).

اینکه دادگاه اوضاع کلی تاجر را، مخصوصاً توان فعلی مبتنی بر نقدینگی او را برای تادیه ی دینی که در پرداخت آن متوقف شده است بررسی اجمالی کند، منافاتی با مقررات قانون تجارت ندارد و می توان مفهوم توقف را به همین شکل تفسیر کرد که اگر تاجر با توان فعلی خود یعنی به پشتوانه ی نقدینگی و اعتبارات قابل استفاده نتواند دینی را پرداخت کند، متوقف از تادیه ی وجوهی است که بر عهده دارد (م ۴۱۲ ق.ت) بلکه این تفسیر از مواردی که تاجر بخواهد با استفاده از روش های متقالبانه و نادرست، تنها دیون سر رسیده را بپردازد و از ورشکستگی فرار کند جلوگیری می کند بنابراین انتظار است که محاکم با بررسی در این حد از مواردی که واقعاً نمی توان توقف نامید، احتراز کرده و از سوی دیگر، موارد یقینی توقف و درماندگی تاجر را که عنصر مادی (عدم پرداخت دیون) در مورد آن ها احراز نشده است مشمول مقررات ورشکستگی قرار دهند. با این حال و با همه این تفاسیر ماهیتی که در قانون تجارت مفقود است، سازوکاری برای بازسازی تاجر متوقف است زیرا در همه ی مواردی که توقف تاجر با لحاظ تفسیری که گذشت، از طرف دادگاه اعلام می شود، لزوماً دارایی تاجر کمتر از دیون او نخواهد بود و ممکن است تاجری متوقف از پرداخت دیون خود باشد ولی با رسیدگی به حساب و دارایی او ورشکسته محسوب نشود (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۱۲۳).

اما در نظام قانونی کنونی احراز توقف مساوی با صدور حکم ورشکستگی است. این ها همه مسائل و واقعیت هایی است که اگر قانون گذار نزدیک به نیم قرن پیش حکمش را صادر نموده، می توانسته از آن ها غافل بماند، محاکم امروز ما نمی توانند و نمی

بایست از آن‌ها فارغ بمانند. و منظور او از این جملات این است که محاکم باید با تفسیر خود از قانون به نحوی نهاد بازسازی و یا جلوگیری از ورشکستگی‌های غیر واقعی عملی کنند. چنین توصیه‌ای با در نظر گرفتن بخش دیگری از گفته‌های ایشان کار عبثی به نظر می‌آید. آنجا که می‌نویسد: «به عقیده‌ی دیوان عالی کشور امروزه کافی است تاجر یا شرکت تجارتي از پرداخت وجه یا سفته بازماند تا بتوان حکم توقف را درباره‌اش جاری داشت. و برداشت او این است که رأی دیوان عالی کشور به شماره ی ۳۵۷۶ به تشتت رویه‌ی قضایی پایان داده است و از آن به عنوان سیستم مدنظر دیوان عالی یاد می‌کند. در حالی که این رأی به صورت اصراری صادر شده و تنها برای شعبه‌ی مرجوع‌الیه لازم‌الاتباع است. حال با اعتقاد به این برداشت آیا توصیه به دادگاه‌ها برای اعمال نظری که مخالف نظریه پذیرفته شده در دیوان عالی است در حالی که می‌دانیم حکم دادگاه در دیوان عالی نقض خواهد شد، بی‌فایده نیست؟ به هر حال فقدان ساز و کاری برای بازسازی تاجر در قانون تجارت یک امر واقعی و ناگزیر است و به نظر می‌رسد که با هیچ تفسیری از مواد قانونی به توان ما به ازائی در قانون تجارت برای آن یافت (قنواتی، و کهنمویی، ۱۳۸۹: ۷۸).

## ۲-۱-۴ روش حقوقی انتقال بنگاه‌های تولیدی

به موجب ماده ۸۹۳ در اجرای طرح مصوب هیأت تشخیص در صورت امتناع شخص بدهکار، سازمان بازسازی میتواند به تنهایی اقدامات لازم از جمله امضاء کلیه اسناد رسمی انتقال اموال منقول و غیرمنقول بنگاه‌های تولیدی را به منظور تحقق واگذاری انجام دهد و حضور شخص بدهکار لازم نیست. لازم به ذکر است که اداره بنگاه اوست که انتقال گیرنده قبل از انجام کلیه اقدامات رسمی انتقال امکان پذیر است. ماده ۸۹۴ در این خصوص مقرر می‌دارد: «تا زمانی که اقدامات یادشده در ماده قبل (ماده ۸۹۳) پایان نیافته است، سازمان بازسازی می‌تواند به مسئولیت خود اداره بنگاه‌های تولیدی مورد واگذاری را به انتقال گیرنده بسپارد، مشروط بر آنکه ابتدا حداقل یک سوم ثمن معامله از طرف خریدار پرداخت شده باشد، تقسیط بقیه ثمن با رعایت مقررات ماده ۵۱ امکان پذیر است.» همانگونه که ملاحظه میشود اداره بنگاه‌های تولیدی توسط انتقال گیرنده مشروط به پرداخت حداقل یک سوم ثمن معامله میباشد.

## ۲- مراجع صلاحیتدار در حوزه ورشکستگی و ادامه فعالیت کارخانجات ورشکسته در نظام حقوقی کنونی

روند قانونگذاری ایران تاکنون مراجع و نهادهای صلاحیتدار متفاوتی را در خصوص دعاوی راجع به ورشکستگی و ادامه فعالیت بنگاه‌های تولیدیهای اقتصادی پیش بینی نموده است. این مسیر از طریق پیش بینی مراجعی با صلاحیت کاملاً تخصصی در قالب محاکم تجاری آغاز می‌شود پس از آن صدور احکام ورشکستگی توسط محاکم عمومی صورت می‌گیرد و اجرای آن به مدیر تصفیه و اداره تصفیه محول می‌شود. هیأت حمایت از صنایع و کمیسیون بحران نیز در راستای توجه به بنگاه‌های تولیدی و احیای آن به وجود آمدند در ادامه این سیر قانونگذاری در لایحه قانون تجارت هیأت تشخیص و سازمان بازسازی به عنوان نهادهای اجرایی آیین بازسازی در نظر گرفته شده است. در قالب سه مبحث مراجع صلاحیتدار در نظام حقوقی کنونی، مراجع صلاحیتدار در حقوق تطبیقی و نهادهای اجرایی در لایحه قانون تجارت به بررسی مراجع و نهادهای فوق‌الذکر می‌پردازیم. در ابتدا راجع به سابقه مراجع و نحوه عملکرد آنها سخن خواهیم گفت و بعد به طور خاص قانون تجارت و مقررات دیگر را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

همزمان با تأسیس محاکم تجاری به موجب قانون ۱۳۳۳/۸/۲۴ ه. ق دعاوی راجع به ورشکستگی در محاکم فوق‌الذکر مورد رسیدگی قرار می‌گرفت. محکمه تجارتي متشکل از یک نفر رئیس و دو نفر عضو می‌بود. انتخاب روسا و معاونین بر عهده دولت بود که از بین خدمتگزاران قضائی منصوب می‌شدند ولی کارمندان دادگاه تجارت توسط تجار مطابق شرایط قانونی انتخاب می‌شدند. در اصلاحیه مورخ ۱۳۰۴/۱۱/۱۴، انتخاب یکی از اعضای محکمه هم به وزارت عدلیه واگذار گردید. فقط عضو دیگر را تجار از میان خود انتخاب می‌نمودند. قانون مذکور به علت مداخله کارمندان غیر مستخدم یعنی منتخبین تجار چندان توفیقی بدست نیآورد چرا که این افراد خود را ملزم به رعایت نظامات اداری نمی‌دانستند. به این علت قانون

تشکیلات ۱۳۰۷ در ترکیب اعضای محکمه راه حل جدیدی در نظر گرفته و آن این است که شرکت کارمند منتخب از طرف تجار را در محاکم اجباری ندانسته و در هر مورد موقوف به تقاضای هر یک از اصحاب دعوی نمود. این تدبیر قانونگذار هم چندان موثر واقع نشد و در نهایت این دادگاه اختصاصی به موجب قانون تسریع محاکمات مصوب ۱۳۰۹/۴/۳ منحل گردید و امور تجارتهی مانند دیگر دعاوی حقوقی به عهده دادگاه عمومی حقوقی محول گشت.

نکته قابل ملاحظه در سیر قانونگذاری راجع به دادگاه تجارتهی، عدم توجه قانونگذار به فلسفه تأسیس محاکم تجارتهی می باشد. چرا که علت تأسیس محاکم تجارتهی تنها لزوم سرعت رسیدگی به امور بازرگانی نمی باشد. این امر از طریق تأسیس شعب تخصصی در دادگاههای عمومی نیز قابل تحقق است. حکمت وجود محاکم تجارتهی همان است که اشخاصی باید در بین تجار قضاوت کنند که از خصوصیات معاملات بازرگانی کاملاً آگاه باشند و دارای روح و قریحه بازرگانی بوده دعاوی را با نظر وسیع تری قضاوت نمایند. در راستای تحقق همین هدف است که در فرانسه قضاوت محاکم تجارتهی از بین تجار و بازرگانان انتخاب میشوند ولیکن همان گونه که ملاحظه می کنیم در سیستم حقوقی ایران، در رابطه با تشکیل محاکم تجارتهی، ترکیب مختلطی را برمی گزینند که قضاوت توسط دولت و از بین خدمتگزاران قضائی و اعضا کارمندان از سوی تجار انتخاب می شوند.

به موجب قانون تجارت ۱۳۱۱، احکام ورشکستگی توسط دادگاه های عمومی صادر و به وسیله مدیر تصفیه و عضو ناظر اجرا می گشت.

نهاد حقوقی مدیریت تصفیه که مقتبس از قانون فرانسه بود نتوانست در عمل موفقیت چندانی بدست آورد. چرا که عدم پیش بینی تشکیلات و مقررات حرفه ای مخصوص راجع به انتخاب مدیران تصفیه و همچنین اشتغالات شخصی آنها، موجب حیف و میل دارائیهای ورشکسته و تضییع حقوق بستانکاران میشد. در ضمن عدم وجود امکانات مالی مناسب جهت وصول مطالبات، اطاله و معوقماندن عملیات تصفیه را به دنبال داشت.

بنا به جهات و دلایل فوق الذکر لزوم اصلاح و تغییر در قانون احساس شد و به موجب آن قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مورخ ۱۳۱۸/۴/۲۴ به تصویب رسید. به موجب ماده ۱ این قانون در هر حوزه دادگاه عمومی که وزارت دادگستری مقتضی بداند اداره تصفیه برای رسیدگی به امور ورشکستگی تأسیس می نماید و در این موارد عضو ناظر تعیین نمی شود. در راستای حل مشکلات موجود در تشکیلات اداره تصفیه از کارشناسان و مقامات قضائی بهره گرفته شد و سعی بر آن شد که از طریق پیش بینی صندوقهای الف و ب مشکلات مالی نیز مرتفع گردد. به نظر برخی از علمای حقوق تأسیس اداره تصفیه که در واقع ترجمه و اقتباسی از قانون سوئیس می باشد نیز بنا به دلایلی چون عدم تمرکز کلیه امور ورشکستگی در اداره تصفیه چندان ثمره بخش نبود. چرا که به عنوان مثال مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به کلیه اقدامات و تصمیمات اداره تصفیه دادگاه شهرستان می باشد در صورتی که روسای کل اداره تصفیه معمولاً از بین قضاوت سابقه و با تجربه انتخاب می شوند.

ماده ۵۰۷ ق. ت تصمیم گیری در خصوص ادامه کار تاجر ورشکسته را برعهده طلبکاران قرار داده ولی مواد ۱۵ و ۲۷ ق. ا. ت. و، ادامه فعالیت تاجر را صرفاً به صلاحدید اداره تصفیه موکول کرده است.

در خصوص انعقاد قرارداد ارفاقی بایستی متذکر شویم که قرارداد ارفاقی براساس نظر گروهی حقوقدانان فرانسوی عقدی است که فیما بین هیأت غرمایی و تاجر ورشکسته منعقد می گردد و به جهت حمایت از منافع اقلیت بستانکاران (مخالف-غایب) و حفظ نظم عمومی، قانون اعتبار چنین عقدی را منوط به تصدیق آن در محکمه صالح می نماید. از آنجایی که انعقاد قرارداد ارفاقی مستلزم اجرای تشریفات مقرر در مواد ۴۷۶ به بعد ق. ت توسط عضو ناظر یا اداره تصفیه میباشد و قطعیت آن نیاز به تصدیق محکمه دارد لذا توافقی در حد مقررات قانون تجارت است.

## ۱-۲ هیأت حمایت از صنایع

این هیأت در قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیل کارخانه های کشور مصوب خردادماه ۱۳۴۳ پیش بینی شده است. هیأت حمایت صنایع، طبق ماده یک قانون مذکور، از نمایندگان وزارت تعاون کار و اموراتجماعی

وزارت صنایع (جایگزین وزارت اقتصاد سابق)، اتاق صنایع و معادن، سازمان برنامه و بودجه و یک نفر کارشناس در امور صنعتی یا اقتصادی به انتخاب وزارتین صنایع و کار و امور اجتماعی تشکیل شده و واجد شخصیت حقوقی می باشد.

ماده ۱۵ آیین نامه اجرایی قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیل کارخانه های کشور در خصوص نحوه تشکیل جلسات مقرر می دارد: جلسات هیأت حداقل هفت های یکبار تشکیل خواهد شد. ضمناً هیأت دارای یک نفر دبیر خواهد بود که از بین اعضا یا از خارج انتخاب خواهد شد (ماده ۱۶) وظایف دبیر هیأت عبارت است از:

۱-تنظیم صورت جلسات هیأت و ثبت آن در دفتری که به این امر اختصاص داده می شود و به امضا رساندن آن

۲-اداره امور دفتری و اداری دبیرخانه هیأت

۳-نگاهداری اموال، و اسناد و اوراق بهادار و سوابق مکاتباتی مربوط به هیأت

۴-تنظیم و نگاهداری امور مالی و محاسباتی هیأت

جلسات هیأت با حضور اکثریت اعضا رسمیت داشته و تصمیمات آن به اکثریت اتخاذ خواهد شد ولی در هر حال اتخاذ هر تصمیمی از طرف هیأت حداقل مستلزم موافقت سه نفر از اعضا می باشد.

لازم به ذکر است که هیأت حمایت تنها در وزارت صنایع مستقر می باشد ولیکن وزارت مذکور عهده دار تأمین بودجه هیأت نمی باشد و به استناد ماده ۲۰ آیین نامه کلیه هزینه های مستمر و غیرمستمر هیأت، به تشخیص و تصویب هیأت و به نسبت فروش از محل فروش محصول کارخانه های مشمول قانون تأمین و پرداخت می شود.

به نظر می رسد که تأمین هزینه های هیأت من جمله حقوق کارکنان از محل فروش اموال به نوعی هیأت را به کارخانه وابسته می سازد که این وابستگی چندان خوشایند نمی باشد.

به موجب ماده ۱۴ قانون حمایت صنعتی، وزارت دادگستری، صنایع، کار و امور اجتماعی مأمور اجرای قانون مذکور خواهند بود این در حالی است که ترکیب هیأت فاقد نماینده وزارت دادگستری میباشد.

## ۲-۲ کمیسیون بحران

کمیسیون بحران مرکب از وزاری تعاون، کار و امور اجتماعی، کشور، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، امور اقتصادی و دارایی، دادگستری، جهاد کشاورزی، رئیس سازمان برنامه و بودجه و رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با مسئولیت وزیر صنایع می باشد.

با عنایت به بند ج دستورالعمل تصویبی پیرو مضمونه ۸۴ رسیدگی کمیسیون شامل دومرحله می باشد. ابتدا رسیدگی مقدماتی بنا به درخواست مدیران واحدهای تولیدی و با ادارات دولتی مرتبط با واحدهای مذکور در کمیته استانی آغاز می شود. کمیته استانی مرکب از رؤسای سازمانهای صنایع و معادن، کار و آموزش فنی و حرفه ای، جهاد کشاورزی مدیریت و برنامه ریزی، رئیس کل دادگستری و مدیران کل امور مالیاتی، تأمین اجتماعی و سرپرستی بانک عامل دولتی (حسب مورد) به ریاست استاندار و یا یکی از معاونین، است. کمیته استانی در صورت احراز شرایط در وهله نخست نسبت به رفع مشکل دراستان اقدام می نماید. در صورت عدم امکان رفع مشکل در استان اصل صورت جلسه تصمیمات و پیشنهادات طی نامه ای صرفاً با امضاء استاندار جهت حل مشکل به دبیرخانه کمیسیون منتخب دولت ارجاع می گیرد.

کمیته استانی در صورت لزوم به منظور پیشنهاد به کمیسیون از کارشناسان مالی و فنی مورد اعتماد استفاده خواهد کرد. پرونده های ارسالی مربوط به شرکت های مشکل دار می بایست کامل و کمیته استانی مربوطه با همکاری مدیران واحد کلیه جداول و سؤالات مربوط به فرمهای تعیین شده را تکمیل و به صورت شفاف پاسخ های لازم را ارائه نمایند. علاوه براین می بایست به صورت شفاف، ضمن اعلام نوع و میزان مشکلات و تأیید



صحت و درستی آمار و ارقام ارائه شده در فرمهای مربوطه، نسبت به ارائه راه حل های کارشناسی نیز اقدام نموده و نسبت به تأثیرات آنها اطمینان کافی داشته باشد.

در مواردی که کمیته رسیدگی به مشکلات واحدهای تولیدی استان نسبت به عدم امکان ادامه فعالیت واحد تولیدی اطمینان حاصل می نماید می بایست به صراحت پیشنهاد مربوط به نحوه تعیین تکلیف واحد تولیدی همچون انحلال، ورشکستگی و سایر موارد را اعلام تا زمینه انجام آنها همچون پرداخت حق و حقوق پرسنل و جلوگیری از بروز تنش و ناآرامی فراهم شود (قنوتی، ۱۳۸۹: ۵۱).

پس از انجام بررسی های مقدماتی توسط کمیته استانی و تکمیل فرم های تعیین شده و ارائه راه حل های کارشناسی پرونده مطروحه به دبیرخانه کمیسیون ارجاع می گرد. در این مرحله دبیرخانه کمیسیون موظف است با بررسی پرونده های ارسالی استان در صورت کامل بودن اطلاعات و مطابقت درخواست با مفاد دستورالعمل، موارد را با ارائه پیشنهاد در جلسه کمیته فرعی کمیسیون مطرح نماید (کریمیان، ۱۳۹۴: ۸۷). هم چنین با تشکیل ستادهای تسهیل و رفع موانع تولید در استان ها نسبت به کمک به واحدهای تولیدی جهت جلوگیری از تعطیلی با پرداخت تسهیلات و یا مساعدت در پرداخت بعضی از دیوان مانند برق آب و گاز و غیره به ادامه فعالیت کارخانه کمک می نماید.

### ۲-۳ دولت و بانک مرکزی و احیاء کارخانجات ورشکسته

به عقیده صاحب نظران با مقایسه تجربه بحران در سایر کشورها و لحاظ تفاوت سیستم بانکی ایران با این کشورها، به نظر می رسد ۴ اصل درمانی شامل شناسایی و تقسیم بندی، ادغام، مدیریت دارایی و حمایت و مذاکره باید در مرحله درمان بحران مورد توجه سیاست گذاران قرار بگیرد.

در رویکرد اول دولت و بانک مرکزی باید تمامی مؤسسات را به دو گروه ورشکسته و قابل نجات تقسیم کند. در این تقسیم بندی مؤسسات که دارایی و مجموع اموال آنها بیش از تعهدات باشد در گروه قابل نجات قرار می گیرد. به عقیده صاحب نظران این گروه از مؤسسات مالی هم آنهايي هستند که فاقد دارایی نقدی بوده اما از پشتوانه خوبی برخوردار هستند. بعد از شناسایی نوبت به ادغام می رسد این رویکرد به دو شکل قابل اجرا است، تجمیع می تواند به صورت دو ادغام موسسه ورشکسته با قابل نجات که به تنفس بیشتری نیاز دارد باشد یا اینکه یک موسسه با فعالیت سالم تمامی مشکلات موسسه ورشکسته را به دندان بکشند.

در رویکرد اول سهامدارهای موسسه مشکل دار در دوره جدید سهامدار موسسه جدیدی می شوند که ادغام شده است اگر این دو موسسه بتوانند با یکدیگر به تفاهم برسند، می توان امیدوار بود که مشکلات موسسه اول حل شود.

در حالت دوم اگر وضعیت دو موسسه ذکر شده مطلوب نبوده می توان از مؤسساتی که دارای صورت مالی شفاف و فعالیت سالم هستند درخواست شود که تمام تعهدات این موسسه را به دوش بکشند. (در گذشته از ادغامها تجربه خوبی داشتیم همچنان که بانک آینده و موسسه مالی - اعتباری نور هر کدام از ادغام سه موسسه مالی و اعتباری به وجود آمده اند که نتیجه خوبی هم داشت گرچه جزئیات آن به ادغام آنها منتشر نشد.) (کاویانی، ۱۳۹۱: ۴۵).

اما این صاحب نظران در خصوص اقدام بعدی معتقدند: یکی دیگر از مکانیزمهایی که در شرایط مشابه با وضعیت نامطلوب فعلی نظام بانکی انجام می گیرد انجماد زدایی از دارایی های راکد است، مفهوم این انجماد زدایی بر اصل زنده کردن دارایی های مسموم و مطالبات معوق بانکها استوار است. در تمام جهان برای این اقدامات شرکت هایی مانند شرکت مدیریت دارایی شکل گرفته است وظایف این شرکتها که از سوی بانک مرکزی و دولتی تشکیل می شود مبتنی بر فروش اموال و دارایی است که مؤسسات در حال ورشکستگی است. این شرکتها ابتدا اموال و دارایی مؤسسات را به خود انتقال داده و با ترفندهایی اقدام به فروش این اموال می کنند.

به گفته فعالان در بسیاری از کشورها این نوع شرکتها بر دو اصل فروش دارایی و بازسازی بانکها اقدام به فعالیت می کنند. برای این منظور بانکها در برخی از کشورها، شرکت مدیریت دارایی صرفاً بر فروش دارایی تأکید دارد و در برخی کشورها علاوه بر فروش دارایی بر بازسازی بانک نیز اهتمام می کند. مثلاً اندونزی و مالزی و کره و چند کشور آفریقایی برای بازسازی

بانک‌های خود از این شرکت‌ها استفاده نمودند. شایان ذکر است در فرایند بازسازی، فروش برخی شرکت‌های زیرمجموعه بانک و فروش بخشی از اموال غیرمنقول و املاک بانک علاوه بر وصول مطالبات غیر جاری صورت می‌گیرد. اما اصل مهم و تأثیرگذار برای پیشبرد تمامی این راهکارها در همراهی سیاسی و حمایت از اقدامات اصلاحی نهفته شده است. تجربه جهانی نشان می‌دهد نجات یک موسسه و بانک از حالت ورشکستگی درگرو حمایت بی‌قیدوشرط دولت است؛ زیرا متضرران واقعی این بد کجی روها تنها سرمایه‌گذارانی هستند که با اندوخته‌های کم‌وزیاد خود به دنبال مرتفع شدن مشکلات عدیده خود هستند. به هر حال خالی کردن پشت سرمایه‌گذاران در دوران بحرانی می‌تواند عواقب نامطلوبی در خصوص اعتماد سازی و جذب سرمایه‌های این افراد در مؤسسات و بانک‌های دیگر داشته باشد. بنابراین با وجود برخی روندهای مخرب در نظام بانکی و با نگاه به تجربه جهانی، به نظر می‌رسد اصول یادشده همان اصولی هستند که عدم رعایت آن‌ها از یکسو به تداوم روندهای مخمل موجود کمک خواهد کرد و از سوی دیگر هزینه تغییر وضعیت در نظام بانکی را تا حدود زیادی افزایش می‌دهد.

الف: شرایط ماهوی دولت و بانک مرکزی جهت احیاء کارخانجات ورشکسته

(۱) عدم محکومیت کارخانجات ورشکسته به جرائم مالی

(۲) حصول حدنصاب قانونی

(۳) پرداخت مطالبات ظرف مهلت مقرر

ب: شرایط شکلی دولت و بانک مرکزی جهت احیاء کارخانجات ورشکسته

(۱) درخواست بازسازی مالی

۲- تشکیل جلسه و تشریفات آن

۳- لغو بازسازی مالی

رهبر بازسازی مالی شرکت‌های خصوصی باید ارزیابی دقیق و کاربردی از جایگاه نقدینگی و جریان نقدی شرکت داشته باشد. اگر شرکت در حال حاضر گردش مالی منفی دارد، رهبر بازسازی باید به سرعت درگیر جریان نقدی شرکت شود. کلید این درک، ترازنامه شرکت است. معمولاً شرکت گرفتار مشکل، وضعیت ترازنامه بسیار ضعیفی دارد. ممکن است در ظاهر موارد آنچنان هم بد به نظر نرسند اما با نگاهی دقیق‌تر قسمت‌های مشکل دار مالی که نیاز به پاکسازی دارند، مشخص می‌شوند. ممکن است ارزش‌گذاری دارایی‌ها بیش از حد در نظر گرفته شده باشد؛ مخصوصاً دارایی‌های نامحسوس. بسیاری از مدیران اجرایی بی‌تجربه بر حساب‌های دریافتی تکیه کرده‌اند که غیرقابل دریافت بوده است. همچنین ممکن است بدهی‌های شرکت دست کم گرفته شوند.

بازسازی مالی تحت شرایط ذیل صورت می‌گیرد و در غیر این صورت بازسازی مالی لغو می‌گردد:

۱. وضعیت ترازنامه و قابلیت شرکت برای تامین مالی بازسازی از منابع داخلی.

۲. تفاوت بین سود بیانیه عملیاتی و جریان نقدی.

۳. نیاز به یک رهبر بازسازی برای دستیابی به دانش فردی درباره چگونگی خلق پول در کسب‌وکار فعال.

۴. وضعیت سیستم‌های اطلاعاتی شرکت در زمینه مالی. (صقری، ۱۳۸۸: ۷۸).

۳- وظیفه قضایی و رویه قضایی قوه قضاییه در رابطه با ورشکستگی‌های کارخانجات

قوه قضاییه در راستای حفظ حقوق عامه و سرمایه‌های ملی از اضمحلال صنایع ورشکسته جلوگیری خواهد کرد. اگر شرکتی که در ازای دریافت میلیاردها وام در عرصه تولید فعالیت می‌کند به دلیل ورشکستگی با توقف فعالیت و تولید مواجه شود قطعاً حقوق بیت‌المال و سرمایه ملی احیا نخواهد شد.

احیای صنایع ورشکسته در راستای حفظ حقوق عامه و حقوق بیت‌المال انجام می‌گیرد و اگر یک مجموعه ورشکسته احیا نشود میزان تسهیلات دریافتی مضمحل شده و از بین می‌رود.



قوانین توسط مدیران قوه قضاییه انگیزه برای سرمایه گذاران به نیابت اجتماعی و اقتصادی به وجود آورده و با این عمل تمامی موارد مورد بحث مقاله اعم از نقش دولت و قوای سه گانه ایجاد بستر لازم برای سرمایه گذاران احیاء کارخانه و ایجاد اشتغال برای استقلال کشور و نیز حفظ حقوق عام با موارد ذکر شده در بالا لازم به ذکر است این طرح در سال بعد به عنوان واحد نمونه نساجی مفتخر به ریافت تندیس طلایی گردیده و حتی از سوی قوه قضاییه به عنوان واحد نمونه مورد تقدیر قرار گرفته است. (نوری پور، ۱۳۹۳: ۶۷).

با احیاء کارخانه علاوه بر ایجاد اشتغال، ضمن پرداخت کلیه دیون ممتازه و وثوقی و سایر بستگان در گروه پنجم سهامداران شرکت ورشکسته که به دلیل پایین بودن نرخ کارشناسی قبل از عملیات بازسازی مدیون تلقی می گردیدند با نرخ خرید جرید بستانکار نیز گردیدند که مدیریت محترم تصفیه هم اکنون در حال انجام سایر عملیات امور تصفیه طبق قانون و براساس نوبت می باشد. (حقوق عامه)

## ۲-۳ شرکت صنایع نساجی خامنه

احیاء کارخانجات ورشکسته از فرآیند نرم افزاری و سخت افزاری ارتقاء شاخصهای فنی و اقتصادی و بهره وری عوامل تولیداز طریق به روزآوری و ارتقاء دانش فنی و تکنولوژی طراحی، تولید و محصول؛ توسعه بازار؛ توسعه مدیریت؛ تسهیل امور قانونی و افزایش کمی و کیفی تولیدات واحدهای صنعتی موجود در یک حوزه صنعتی مشخص حاصل خواهد شد. احیاء کارخانجات ورشکسته از طریق وجوه اداره شده دولتی، کمکهای فنی، مشاوره های، تسهیلاتی و مدیریتی و در صورت لزوم مشارکت و سرمایه گذاری ایدرو (از جمله در حلقه های مفقوده صنعتی) با استفاده از منابع مالی دولتی، بین المللی و آورده صنعت در حوزه های صنعتی دارای اولویت (از جانب وزارت صنعت، معدن و تجارت) انجام خواهد شد. قوه قضاییه در راستای اجرای اهداف کلان خود در احیاء کارخانجات ورشکسته در پرتو حقوق عامه هدف به موارد ذیل پایبند خواهد بود:

این نهاد با هماهنگی وزارت صنعت، معدن و تجارت و بر اساس اولویت بندی صنایع و نیازهای راهبردی کشور در بخش صنعت نسبت به انتخاب صنایع هدف جهت انجام بازسازی و تدوین برنامه جامع نوسازی صنعت با همکاری انجمنهای صنفی و تخصصی و با استفاده از مشاورین خبره اقدام نماید. ترجیحاً صنایع هدف در بخش نوسازی و توسعه صنعتی باید هم راستا باشند.

- بازسازی و احیاء کارخانجات ورشکسته باید شامل تمامی فرآیندهای نرم افزاری و سخت افزاری که موجب ارتقاء بهره وری و توسعه کل زنجیره ارزش صنعت هدف میگردد، باشد و اهداف توسعه مدیریت را نیز دنبال نماید.

- احیاء کارخانجات ورشکسته و واحدهای صنعتی خصوصی را بدون توجه به برنامه جامع صنعتی که آن واحد در آن قرار میگیرد، در دستور کار خود قرار نخواهد داد.

- قوه قضاییه احیاء کارخانجات ورشکسته را با استفاده از ظرفیتهای انجمنهای صنفی و تخصصی و شرکتهای ابزاری به عنوان بازوهای اجرایی دنبال می نماید.

- منابع مالی مورد نیاز احیاء کارخانجات ورشکسته ترجیحاً توسط دولت و در چارچوب وجوه اداره شده، یارانه بخش صنعت و یا طرحهای تملک دارایی، منابع مالی بین المللی و آورده صنعت در اختیار ایدرو تامین و هزینه خواهد شد.

## نتیجه گیری

در هنگام شمول م ۱۴۱ ق ت برای یک واحد تولیدی جدا از شخصیت حقوقی و توانایی های بالقوه و بالفعل مدیران می توانند با افزایش سرمایه و تزریق نقدینگی، کم رنگ کردن هزینه های شرکت که معمولاً با توجه به ساختار شرکت عملیاتی نمی باشد در بحث دوم می توان با تجدید ارزیابی اموال به شرط رعایت استانداردهای حسابرسی از جمله تخصیص هزینه اصطحکاک ضمن بالا بردن ارزش دارایی های ثابت نسبت به افزایش سرمایه و یا جلب رضایت بانک ها با ارائه و نتیجه مقبول تر از تبعات و شمول م ۱۴۱ ق ت در زمان های بحرانی خارج شد البته این پیشنهادات فقط از باب ارائه راه حل های تئوریک مدیریتی است

لیکن در عمل اجرای این موارد و جلوگیری از ورشکستگی واحد در اختیار خصوصاً در بخش خصوصی بسیار دشوار و موقت و یا غیر ممکن است.

چنانچه مدیران واحدهای تولیدی به وظایف قانونی خود خاصه تکالیف مندرج در قانون عمل نمایند حتی پس از ورشکستگی واحد نیز می‌توانند در چهارچوب قانون و حمایت از ورشکسته قانون مند نسبت به نجات اعیان یا فروش جهت پرداخت دیون خروج از ورشکستگی و مختومه شدن پرونده و نیز اعیان کارخانه یا واحد مورد نظر خود به روش‌های متذکره در قبل کمک شایانی بنمایند.

ساختار موجود نظام قضایی با وجود ظرفیت‌های بالقوه قانون اساسی و تکلیف احیاء حقوق عامه و آزادی‌های مشروع طبق اصل (۱۵۶) قانون اساسی، توانمندی لازم را برای احیای حقوق عامه (که عبارت‌اند از حقوقی که به جهت عدم تعهد به صلاحیت‌های دستگاه‌های حکومتی یا سوء استفاده از صلاحیت‌ها برای منافع شخصی - گروهی فوت می‌شوند) ندارد. در این راستا لازم است از سویی ریاست محترم قوه قضاییه لویح قضایی متعددی شامل اصلاح قانون ناکارآمد احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی با رویکرد بیان حق‌های بنیادین، و چیستی حقوق عامه در بستر آزادی‌های مشروع و حقوق عامه را ارائه نمایند، به گونه‌ای که از سوء برداشت‌ها و ابهامات را بزدايد و از سوی دیگر لازم است که به بازمهندسی کارآمدسازی ساختار احیای حقوق عامه توجه کند. در حوزه ساختارهای رسمی و با وجود نهادهای متعددی همچون نهاد دادستانی، دیوان عدالت اداری، ستاد حقوق بشر و سازمان بازرسی کل کشور، ایرادات چشم‌گیری از حیث ناتوانی در احیای حقوق عامه وجود دارد که بعضاً با مشابه سازی نهادهای دیگر، صرفاً عنوان مشابه نهادهای تامین یا تضمین کننده حقوق عامه (ملت) را به همراه دارند؛ همانند نهاد ملی حقوق بشر و آموذمان یا برای مثال نهاد دادستانی اساساً صلاحیت و ابزارهای لازم را در اجرای وظایف قانونی خود به ویژه خارج از اوصاف کیفی ندارد. در حوزه ساختارهای غیر رسمی (غیر دولتی) بیشتری آسیب ناظر به عدم اهتمام نظام قضایی برای بهره‌گیری از این ساختارها و اجازه‌پذیری مستقیم دادن به موضوعات مختلف، نزد مراجع قضایی است این مراجع لازم است دسترسی به عدالت را با داشتن صلاحیت‌های بدون استثنا به ویژه با توجه به ظرفیت اصل هشتم قانون اساسی برای همه افراد ملت تامین کنند. نظام قضایی در صورت تعامل با این ساختارهای غیر رسمی می‌تواند بسیاری از ناکارآمدی‌ها را در حوزه احیای حقوق عامه به ویژه کشف ابعاد تضییع این حقوق برطرف سازد.

در مجموع می‌توان گفت احیای حقوق عامه به عنوان تکلیف قوه قضاییه، منوط به بازنگری جدی در نظام هنجاری و ساختاری قوه قضاییه است و تا عدم اجرایی شدن آن، حصول نتیجه در این زمینه دور از دسترس خواهد بود.

و اما در باب حقوق عامه در آثار سوء ورشکستگی ایجاب می‌نماید که تدبیری برای احتراز از این پیامدهای ناگوار اندیشیده شود. تدبیر مزبور در قالب راهکارهای حقوقی پیشگیری از ورشکستگی در این رساله مورد بررسی قرار گرفت. حال آن که برای دادن پاسخ کارا و موثر به ورشکستگی لازم است اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم انسانی (حقوقدانان و اقتصاددانان، مدیران صنعتی و بازرگانی و دولتی) و متخصصین علوم ریاضی، حسابداران و مهندسی، الگوهای مختلفی طراحی نمایند.

در حوزه حقوق، قانون‌گذاران کشورهای مختلف به این امر توجه نموده و حسب مورد قواعدی وضع کرده‌اند که به گونه‌ای در پیشگیری از ورشکستگی موثر است. قانون‌گذار ما نیز در لایحه‌ی جدید قانون تجارت به این امر توجه داشته است: مثلاً پیش‌بینی نهاد «قرارداد ارفاقی پیشگیرانه» که نسبت به نهاد «قرارداد ارفاقی» فعلی موثرتر و سازمان‌یافته‌تر است؛ توضیح آن که زمان اعمال نهاد «قرارداد ارفاقی» فعلی موثرتر و سازمان‌یافته‌تر است؛ توضیح آن که زمان اعمال نهاد «قرارداد ارفاقی پیشگیرانه» قبل از صدور حکم ورشکستگی و البته بعد از وقوع ناتوانی در پرداخت دیون است، در حالی که قرارداد ارفاقی بعد از صدور حکم ورشکستگی و قبل از تصمیم‌گیری نهایی در باب فروش و تقسیم اموال و یا ادامه‌ی فعالیت تاجر مطرح می‌گردد. همچنین گرایش قانون‌گذار به «ورشکستگی واقعی» به جای «ورشکستگی ظاهری» از دیگر نوآوری‌های لایحه جدید قانون تجارت محسوب می‌شود؛ توضیح آن که ماده‌ی ۸۸۳ لایحه‌ی جدید قانون تجارت حائز حکمی متفاوت نسبت به ماده‌ی ۴۱۲ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ هست. در هر حال می‌توان این تغییرات را قدمی رو به جلو و امیدوارانه انگاشت. امید است در آتی این تغییرات در زمینه‌ی پیشگیری پررنگ‌تر و به روزتر باشد. اخیراً اقداماتی بعد از ورشکستگی که در قالب

قانون و اختیارات مدیر تصفیه بعد از ورشکستگی انجام شده است مثل قرارداد اجاره و بهره برداری که به منظور احیاء کارخانه و به تبع آن کسب درآمد و پرداخت دیون ورشکسته است.

قانون تجارت فعلی ایران از قانون سال ۱۸۰۷ کشور فرانسه اقتباس گردیده و این کشور بارها قوانین تجاری خود را تغییر داده، به نحوی که مثلاً قرارداد ارفاقی قبل از سال ۱۹۸۵ ملغی و به جای آن «قرارداد دوستانه» پیش بینی شده است. از سوی دیگر، هر چه بر دامنه فعالیت های تجاری افزوده می شود مباحث تجاری جدید و در نتیجه تاسیسات حقوقی جدیدی به وجود می آید. با توجه به این نکات، ضرورت تغییر و تحول مقررات تجاری، امری انکارناپذیر است. به عنوان مثال یکی از این تاسیسات حقوقی جدید نهاد بازسازی است.

مقررات نهاد بازسازی در خصوص اشخاص بدهکار (اعم از تاجر و غیر تاجر) قابل اجرا است. هرگاه مراتب بدهکاری شخص اعم از حقیقی یا حقوقی، تاجر یا غیر تاجر، نزد دادگاه احراز گردید، وی مشمول مقررات این نهاد قرار می گیرد.

هدف اصلی نهاد بازسازی، ادامه فعالیت بدهکار مشمول بازسازی است. در این راستا طرح بازسازی ارائه می شود. طرح بازسازی با رعایت شرایط و مندرجات قانونی تنظیم و پس از تصویب طلبکاران در فرض رعایت تمام مسائل قانونی، توسط دادگاه تصدیق می گردد. اثر تصدیق دادگاه این است که اولاً طرح را به عنوان یک قرارداد جدید، لازم الاجرا می سازد و ثانیاً این تصدیق به معنای تایید رعایت تمام شرایط قانونی مورد نیاز در طرح بازسازی است. طرح بازسازی نسبت به بدهکار این اثر را دارد که امکان ادامه فعالیت و تصرف و کنترل بر اموال را برای او فراهم می کند و نسبت به طلبکاران نیز اثرش این است که آنان تحت حمایت قانونی برای وصول مطالبات خویش حسب شرایط مندرج در طرح بازسازی قرار می گیرند. طرح بازسازی از آغاز تا احیای مفاد طرح و صدور حکم نهایی دادگاه که حاکی از تایید مراتب اجرای طرح بازسازی است تحت نظارت و کنترل و صلاحیت دادگاه قرار دارد. فسخ، ابطال، تبدیل شمول مقررات بازسازی به تصفیه اموال یا سایر مقررات و «مختومه یا رد شدن تقاضای درخواست شمول مقررات ورشکستگی» توسط دادگاه از جمله روش های محو یا از بین رفتن نهاد بازسازی است. حتی این قرارداد بازسازی و احیاء می تواند توسط غیر انجام شود.

در مقایسه مقررات نهاد بازسازی با قواعد حقوق تجارت ایران، از جمله قرارداد ارفاقی به نظر می رسد از جهت ماهیت حقوقی، شرایط شکلی و ماهوی انعقاد، اوصاف عقدی، آثار آن نسبت به طلبکاران، اشخاص ثالث و تاجر ورشکسته یا بدهکار، و موارد محو یا انحلال اشتراکات فراوانی وجود دارد. این اشتراکات را می توان در شرایط ماهوی و شکلی موثر در انعقاد و نهاد حقوقی، در دخالت دادگاه در اوصاف عقدی و آثار هر دو نهاد ملاحظه کرد. با وجود این، تفاوت هایی نیز بین این دو نهاد وجود دارد. از جمله مهم ترین امتیازات نهاد بازسازی بر قرارداد ارفاقی، امکان ۱۲۰ روزه برای ارائه طرح بازسازی به بدهکار، حمایت از تجارت های پر ریسک در نهاد بازسازی و منع تعقیب دعاوی طلبکاران با وثیقه است. همچنین مهم ترین اشکالات وارد بر قرارداد ارفاقی را از جمله می توان اختیارات بی حد و حصر طلبکاران و عدم نظارت مرجع قانونی بر اقدام تاجر ورشکسته در زمان اجرای قرارداد ارفاقی دانست. این اشکالات سبب شده تا این تاسیس حقوقی نتواند از نظارت کافی برخوردار باشد و در نتیجه از یک سو اطمینان خاطر طلبکاران فراهم نمی گردد و از سوی دیگر فرآیندی کارآمد و مطمئن برای تاجر با حسن نیتی که در ورشکستگی خود هیچ گونه تقصیری نداشته، تلقی نمی گردد. و به همین جهت در عمل نیز نهاد قرارداد ارفاقی چندان مورد استقبال قرار نگرفته است.

همانطور که بیان داشتیم اعلام ورشکستگی و اجرای عملیات تصفیه منافع تاجر متوقف، بنگاه بحران زده، نظام کل اقتصادی و اجتماعی و حتی بستانکاران را به خطر میاندازد. از این رو بایستی در ابتدا از تصفیه و انحلال بنگاه اقتصادی جلوگیری کرد و تمامی تلاشها و حمایتها را صرف حفظ و ذنگهداری بنگاه و سازماندهی مجدد آن نمود و در صورت عدم امکان ادامه فعالیت و بازسازی بنگاه به آیین ورشکستگی به عنوان آخرین راه حل متمسک شد. به نظر می رسد که قبل از تصویب قانون تجارت ۱۳۱۱ این مهم مورد توجه قرار گرفته و سعی بر آن شده که در حد ممکن از اعلام ورشکستگی تجار جلوگیری شود. به گونه ای که تاجر متوقف قبل از اینکه ادعای ورشکستگی کند میتواند دادخواست "اعسار تجارتي" به دادگاه تقدیم نماید. دادگاه در صورت پذیرش دادخواست طلبکاران را احضار و با آنها در خصوص مهلهای پرداخت طولانیتر

یابرداخت به اقساط دیون مذاکره می کرد. در قانون تجارت ۱۳۱۱ نهاد "اعسار تجارتي" حذف گردیده و در خصوص ادامه فعالیت تاجر قبل از صدور حکم ورشکستگی پیشبینی خاصی صورت نگرفته است، ولی راجع به ادامه فعالیت بنگاه اقتصادی پس از صدور حکم ورشکستگی، موادی به صورت پراکنده در قانون تجارت و قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی پیش بینی شده است.

مطابق بند ۳ ماده ۴۴۴ و ماده ۴۴۵ قانون تجارت مدیر تصفیه با اجازه عضو ناظر میتواند تجار تفرّد ورشکسته را از سر گیرد ولی ادامه آن برابر ماده ۵۰۷ ق.ت. با موافقت بستانکاران است. مواد ۱۵ و ۲۷ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی ادامه فعالیت تاجر را صرفاً به صلاحدید اداره تصفیه قرار داده است. تشکیلاتی چون مدیر تصفیه و اداره تصفیه قادر به اجرای مطلوب مسئولیت اخیر نمی باشند زیرا همانگونه که از عبارت برمی آید هدف از وضع نهاد مدیریت تصفیه و اداره تصفیه فروش اموال و تقسیم حاصل آن بین طلبکاران می باشد و فعالیت بنگاه اقتصادی تشکیلات مستقلی می طلبد. و جز چند متن کوتاه برای بحران زدائی و احياناً کوچک سازی بنگاه مقررات مخصوصی پیشبینی نشده است.

به موازات مواد مذکور که به ادامه فعالیت تاجر متوقف اشاره مختصری داشته اند به موجب قانون تجارت ۱۳۱۱، انعقاد قرارداد ارفاقی امکانپذیر است. قرارداد ارفاقی از این لحاظ که شخص بدهکار، اداره اموال خود را در دست گرفته و به فعالیت تجاری خود ادامه میدهد و در مقابل بستانکاران نیز مطالبات خود را به اقساط دریافت خواهد نمود و منافع نظام اقتصادی- اجتماعی جامعه نیز تا حدود زیادی تأمین میشود مثر مثر خواهد بود ولیکن نقاط ضعفی در آن نهفته است که به اختصار برمی شمیریم.

۱- در طول زمان قرارداد ارفاقی بندرت منعقد شده است. چرا که با صدور حکم ورشکستگی به حیثیت و اعتبار تجاری مدیون شدیداً لطمه وارد می شود.

۲- در ورشکستگی منافع بستانکاران مدنظر قرار میگیرد و بنگاه اقتصادی ندرتاً مخاطب قانونگذار بوده است. با ع نایت به توضیحات فوق، قانونگذار جهت پر کردن خلأ موجود در قانون تجارت ۱۳۱۱، هیأتحمایت از صنایع و کمیسیون بحران اصل ۱۳۸ را به موجب قوانین وارد بر آن پیش بینی نمود. از بررسی های صورت گرفته در خصوص نحوه عملکرد کمیسیون بحران در پرتو احیاء حقوق عامه نتایج ذیل بدست آمده است:

۱- تنها صنایع تولیدی و واحدهای کشاورزی میتوانند جهت رفع مشکلات خود به کمیسیون بحران مراجعه کنند یعنی برای واحدهایی که به فعالیتهای توزیعی، خدماتی، و... می پردازند امکان مراجعه وجود ندارد.

۲- همانگونه که در مباحث مربوطه عنوان داشتیم از جمله شرایط بنگاه اقتصادی قابل طرح در کمیسیون، پیدایش مشکلات در واحدهای مذکور به دلیل شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور می باشد لذا در صورتی که مشکلات واحدهای تولیدی ناشی از ساختار بنگاه چون سوء مدیریت باشد اصولاً از حمایت های کمیسیون فوق بی بهره خواهند ماند. علاوه بر شرایط فوق، یکی دیگر از شرایط بنگاه اقتصادی قابل طرح در کمیسیون داشتن حداقل ۵۰ نفر پرسنل است پس بنگاه هایی که کمتر از ۵۰ نفر پرسنل دارند مشمول حمایت قرار نمی گیرند.

۳- براساس دستورالعمل های تصویبی تشخیص موارد بحران براساس دو ضابطه تأخیر در پرداخت حقوق کارکنان و تعویق در بازپرداخت به موقع وام بانکی، بدهی تأمین اجتماعی و به طور کلی بدهیهای مربوط به دستگاههای دولتی صورت میگیرد و به سایر موارد چون عدم ایفای تعهدات غیرنقدی، تعدیل نیروی کار، فروش اموال مولد، کاهش سرمایه و... که نشان دهنده بحران در بنگاه اقتصادی است توجهی نمی نماید.

۴- نوع حمایت های کمیسیون، حمایت های مالی است که از طریق اعطای تسهیلات بانکی و تقسیم بدهی ها صورت می گیرد، این نوع حمایت ها لازم است ولیکن کافی نمیباشد، چه بسا مشکلات اقتصادی بنگاه ناشی از الگوی مدیریتی نادرست آن باشد.

علاوه بر کمیسیون بحران، هیأتی تحت عنوان هیأت حمایت از صنایع به موجب قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیل کارخانه های کشور به وجود آمد. این هیأت نیز تنها کارخانجات صنعتی را دربرمی گیرد و فاقد تشکیلات اداری موجهی می باشد چرا که علیرغم اینکه در وزارت صنایع مستقر است ولیکن وزارت مذکور تأمین بودجه هیأت را برعهده ندارد و کلیه هزینه های مستمر و غیرمستمر هیأت از محل فروش محصول کارخانه های مشمول قانون تأمین و پرداخت می شود. نقطه قوتی که هیأت حمایت از صنایع نسبت به کمیسیون بحران دارد این است که علاوه بر حمایت های مالی به مدیریت بنگاه نیز توجه میشود و اداره موقت کارخانه توسط مدیر منتخب هیأت مدنظر قرار می گیرد.

در لایحه قانون تجارت ۱۳۸۴ در راستای حمایت از بنگاههای اقتصادی و جلوگیری از انحلال و تصفیه آنها ذیل باب هفتم به مفهوم بازسازی بنگاه اقتصادی توجه شده است.

با عنایت به توضیحاتی که در خصوص نظام حقوقی کنونی ارائه شد، ذکر نکات قوت ذیل راجع به مفهوم بازسازی در لایحه اصلاحی لازم و ضروری می باشد:

۱- آیین بازسازی بنگاه قبل از اعلام ورشکستگی و شروع عملیات تصفیه به اجرا درم یآید.  
 ۲- کلیه تجاری که قادر به تأدیه دیون خود نمیباشند ولیکن قادر به ادامه فعالیت تجاری هستند، مشمول بازسازی قرار می گیرند.

۳- نهادهای اجرایی خاصی (هیأت تشخیص و سازمان بازسازی) جهت اتخاذ تصمیم در خصوص بازسازی در لایحه قانون تجارت پیش بینی شده اند که دارای تشکیلات مستقل و جدای از سازمان تصفیه امور ورشکستگی می باشد.

۴- در وهله اول منافع بنگاه اقتصادی مدنظر قرار می گیرد و نیازی به حصول توافق بستانکاران نمی باشد.  
 ۵- علاوه بر موارد فوق، قانونگذار در راستای حمایت از اشتغال و تولید و جلوگیری از انحلال و تصفیه بنگاهها، حمایتهای حقوقی وضع نموده که کمک فراوانی به ادامه فعالیت و سازماندهی مجدد و حد اقتصادی می نماید.

الف) تصمیم هیأت تشخیص مبنی بر شروع بازسازی موجب تعلیق تمامی دعاوی می شود. بستانکاران دیون حال خود را با احتساب خسارت تأخیر تأدیه تا زمان پرداخت برابر طرح مصوب و مورد تأیید هیأت تشخیص دریافت میدارند. در این طرح امکانات مالی بنگاه در نظر گرفته می شود. اقساط به نحوی تنظیم میگردد که واحد بدهکار توان پرداخت تدریجی آن را داشته باشد. دیون مؤجل نیز علیرغم حقوق ورشکستگی به دیون حال تبدیل نمیگردد و در سر رسید قابل پرداخت خواهد بود. چرا که اصل براین قرار دارد که بنگاه اقتصادی با ادامه فعالیت خود قادر خواهدبود که دیون حال را به نحو تدریجی و دیون مؤجل را در سر رسید پرداخت نماید.

ب) از آنجایی که ادامه حیات بنگاه در گرو ادامه فعالیت آن میباشد، لذا در صورتی که شرایط و امکانات بنگاه، ادامه قراردادهای موجود را فراهم نماید اصل بر ادامه قرارداد می باشد و در صورتی که طرفین پیش از توقف، توافق نمایند که در صورت شروع بازسازی معامله فسخ یا باطل گردد بلااثر است. در واقع قانونگذار با وضع قاعده آمره فوق و محدود کردن اصل آزادی قراردادی در راستای حمایت از ادامه فعالیت بنگاه اقتصادی گام برمی دارد. لازم به ذکر است که قراردادهای کار از قاعده فوق مستثنی می باشند.

در صورتی که شرایط اقتصادی و امکانات مالی بنگاه تعدیل قراردادهای موجود یا حتی لغو قراردادهای جاری را موجب شود، لغو یا اصلاح قراردادها امکانپذیر است ولیکن منوط به تصویب هیأت تشخیص می باشد.

ج) قانونگذار در ماده ۸۵۸ لایحه قانون تجارت قواعدی راجع به ابطال برخی معاملات وضع نموده که بسیاری از نواقص قانون تجارت را در این خصوص مرتفع می نماید.

د) جهت سازماندهی مجدد بنگاه اقتصادی بایستی کلیه اموال و داراییها در اختیار تاجر متوقف قرار گیرد تا به ادامه فعالیت پرداخته و تعهدات خود را ایفا نماید ولیکن به منظور حفظ اموال بنگاه و جلوگیری از توقیف و انتقال آنها لایحه یک مصونیت حقوقی در نظر گرفته بدین نحو که هیأت تشخیص میتواند رهن یا انتقال یا توقیف اموال مشخصی را منوط به کسب مجوز از هیأت بداند.



ه) در لایحه قانون تجارت برخلاف قانون تجارت علاوه بر مسئولیت مدنی که مدیران کلیه انواع شرکتها را دربرمی گیرد، مسئولیت جزایی و محرومیت شغلی نیز در ارتباط با مدیران متخلف پیش بینی شده است. با توجه به ایرادات و کمبودهای نظام حقوقی کنونی، به نظر می رسد که لایحه قانون تجارت توانسته است مجموعه مقرراتی راجع به مورد خاص بازسازی و احیاء فعالیت های واحدهای مشکل دار ارایه دهد تا جایگزین نهادهای ناکارآمد موجود گردد. ولیکن قضاوت نهایی زمانی امکانپذیر است که لایحه اخیر به اجرا درآید و در عمل معایب و محاسن آن مشخص گردد.

## منابع و مراجع

الف: منابع فارسی

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۰، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران، ش ۲۲۷۷
  ۲. دالزر، رودلف و شروتر، کریستف ۲۰۰۸؛ اصول حقوق بین الملل سرمایه گذاری، ترجمه ی قاسم زمانی و به آذین حسیبی، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۰.
  ۳. دفتر مطالعات اقتصادی برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، ۱۳۸۵. معرفی لایحه و نوآوری آن، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
  ۴. دمیرچلی، محمدوحاتمی، علی وقرائی، محسن، ۱۳۸۸. ق.ت درنظم حقوقی کنونی، انتشارات دادستان، تهران، پاورقی ماده ۴۸۹، ص ۷۹۲
  ۵. روشن، محمد (۱۳۸۶)؛ مسئولیت شرکت در ورشکستگی بدون تقصیر تجار، تهران، انتشارات فردوسی.
  ۶. ستوده تهرانی، حسن، ۱۳۸۶، حقوق تجارت، ج ۴، نشر دادگستر، تهران.
  ۷. شیروی، عبدالحسین، ۱۳۹۰، حقوق تجارت بین الملل، تهران، انتشارات سمت.
  ۸. صقری، محمد، ۱۳۸۶، «سیاستها و راهکارهای لایحه راجع به بازسازی و ورشکستگی» نشریه وزارت بازرگانی، دفتر مطالعات اقتصادی، ص ۷۵.
  ۹. صقری، محمد، ۱۳۸۸ حقوق بازرگانی ورشکستگی، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، تهران، ، ص ۵۲۳.
  ۱۰. صقری، محمد، ۱۳۷۶. حقوق بازرگانی، ورشکستگی نظری و عملی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
  ۱۱. صفایی، سید حسین، ۱۳۹۰، قواعد عمومی قراردادهای، نشر میزان، تهران،
  ۱۲. عبادی، محمدعلی، ۱۳۹۱، حقوق تجارت، کتابخانه گنج دانش، تهران،
  ۱۳. قائم مقام فراهانی، محمدحسین ۱۳۶۸، حقوق تجارت: ورشکستگی و تصفیه، تهران انتشارات دانشگاه تهران
  ۱۴. قائم مقام فراهانی، محمدحسین، ۱۳۸۹؛ ورشکستگی و تصفیه، تهران، انتشارات میزان
  ۱۵. کاتوزیان، ناصر ۱۳۸۷. عدالت قضایی، گزیده آرا. تهران: نشر دادگستر
  ۱۶. کاتوزیان، ناصر ۱۳۸۸. حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادهای، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
  ۱۷. کلویانی، کورش، ۱۳۸۹، حقوق شرکت های تجاری، تهران، انتشارات میزان.
  ۱۸. کلویانی، کورش، ۱۳۹۱، حقوق ورشکستگی، تهران، انتشارات میزان.
  ۱۹. کریمیان، شهاب الدین، ۱۳۹۴، توقف تاجر از پرداخت دیون در قانون تجارت ایران و رابطه آن با نهاد بازسازی در لایحه قانون تجارت سال ۱۳۹۱ شمسی
  ۲۰. مهرآرام، پرهام؛ ۱۳۹۵ جایگاه و صلاحیت نهاد دادستانی؛ تهران : پژوهشگاه قوه قضاییه.
- مقالات، مجلات، رساله
۲۱. اسکینی، ربیعا (۱۳۸۲)، مقاله قواعد حاکم بر تعهد تجاری در حقوق ایران، مجله حقوقی دادگستری،
  ۲۲. اسماعیلی، حسن، ۱۳۹۰ مقاله تحلیل فرایند ورشکستگی و احکام مرتبط با آن، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین.

۲۳. اعتمادی، حسین و فرج زاده‌ی دهکردی، حسن (۱۳۸۷)؛ مروری بر مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی، مجله‌ی حسابدار، شماره‌ی ۲۰۰، صص ۳۹-۵۶.
۲۴. ایزانلو، محسن و جباری زاده، روزبه (۱۳۹۰)؛ مسئولیت مدنی و ورشکستگی، مجله‌ی حقوق تطبیقی، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۱، صص ۱-۲۵.
۲۵. صادقی، محسن، ۱۳۸۳، مقاله توجیه حقوقی قرارداد ارفاقی و پیمان دسته‌جمعی کار با توجه به اصل نسبی بودن اثر قراردادها، مجله دیدگاه‌های حقوقی و قضایی، پاییز و زمستان شماره ۳۲ و ۳۳،
۲۶. طبرلو، رضا، ۱۳۸۹، بررسی مبانی نظری حقوق ورشکستگی در سیستم حقوقی آمریکا و انگلیس، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲، صص ۲۳۹-۲۵۷.
۲۷. عرفانی، محمود، ۱۳۶۴؛ ورشکستگی در حقوق تجارت بین‌الملل، مجله‌ی مطالعات حقوقی و قضایی، شماره ۲، صص ۱۰۴-۹۲.
۲۸. فیروزیان، محمود و جاوید، داریوش و نجم الدینی، نرگس (۱۳۹۰)؛ کاربرد الگوریتم ژنتیک در پیشگیری از ورشکستگی... بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۶۵، صص ۹۹-۱۱۴.
۲۹. قنواتی، جلیل، کهنمویی، محمدرضا، ۱۳۸۹، بررسی نهاد بازسازی در قانون ایالات متحده و مقایسه‌ی آن با قرارداد ارفاقی، مجله‌ی مدرس علوم انسانی - پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره‌ی چهاردهم، شماره‌ی چهارم، زمستان
۳۰. کاویانی، کورش، « جزوه درسی حقوق تجارت ۴ (ورشکستگی)»، دوره کارشناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، نیم سال دوم سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹.
۳۱. میرزائی فرد، یزدان، ۱۳۹۳. قرارداد ارفاقی پیشگیرانه در لایحه قانونی جدید تجارت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
۳۲. نوری پور، محسن، ۱۳۹۳. ورشکستگی در حقوق ایران، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
۳۳. صقری، دکتر محمد، سیاست‌ها و راهکارهای لایحه راجع به بازسازی و ورشکستگی، نشریه وزارت بازرگانی، دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۶
۳۴. بدریان، محمدجواد، بازسازی اموال ورشکسته، پروژه تحقیقاتی دوره کارشناسی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۸۶.
۳۵. محصولی، اسماعیل، اثر حکم ورشکستگی نسبت به معاملات تاجر در حقوق ایران و انگلیس، پروژه تحقیقاتی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، ۱۳۷۵.
۱. . David L. Bookbinder, Basic Bankruptcy Law for Paralegals, 4th ed, Aspen Law and Business, ۲۰۰۱.
  ۲. . Pamela K. Webster, Richard E. Boyer, David Lauren, Practical Bankruptcy law for Paralegals, ۳rd ed., ۲۰۰۴.
  ۳. . Martin A. Frey, Warren Mc Connico, Phyllis Hurley Frey, An Introduction to Bankruptcy Law, West Publishing Co., 1990
  ۴. . Martin A. Frey, Warren Mc Connico, Phyllis Hurley Frey, An Introduction to Bankruptcy Law, West Publishing Co., 1990.